

A Critique and Review on the Book ***“Inclusive Growth in Iran’s Provinces: Policies and Indicators”***

Amir Hossein Mozayani*

Abstract

Achieving continuous economic growth has been and is one of the focal points in policy-making. This issue is mostly studied using economic growth models and approaches. One of the newest approaches to economic growth is pro-poor growth and subsequently the inclusive growth. These two approaches were offered when it was observed that poor people do not enjoy the benefits of economic growth comparing to other sections of society. One of the books published in this field is the book *"Inclusive Growth in the Provinces of Iran: Policies and Indicators"*, the review and critique of which is on the agenda of this article and meanwhile attempts are made to provide suggestions for improving the content of the book in future editions. The findings of the book indicate that economic growth in Iran has been low in recent years and at the same time labor force participation has played an effective and significant role in the overall growth in the provinces. However, government policies that could have played an effective role in reducing poverty and inequality in the provinces have not been very successful in practice. In conclusion, it seems that moving toward inclusive growth requires the design and implementation of a coherent policy package from different dimensions.

Keywords: Economic Growth, Inclusive Growth, Pro-poor Growth, Provincial Data, Poverty

* Associate Professor of Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, mozayani@modares.ac.ir

Date received: 25/11/2020, Date of acceptance: 22/05/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی و نقد کتاب

“*Inclusive Growth in Iran’s provinces: Policies and Indicators*”

(رشد فراگیر در استان‌های ایران: سیاست‌ها و شاخص‌ها)

امیر حسین مزینی*

چکیده

دستیابی به رشد اقتصادی پیوسته در کانون توجه سیاست‌گذاران بوده و می‌باشد. بررسی این موضوع عمدتاً با استفاده از الگوها و مدل‌های رشد اقتصادی انجام می‌شود. از جدیدترین الگوهای رشد اقتصادی می‌توان به الگوی رشد فقرزدا و متعاقب آن الگوی رشد فراگیر اشاره نمود. این دو الگو زمانی مطرح گردیدند که مشاهده شد فقرا متناسب با دیگر اقشار جامعه از منافع رشد اقتصادی بهره‌مند نمی‌شوند. از جمله کتب منتشر شده در این حوزه کتاب "رشد فراگیر در استانهای ایران: سیاستها و شاخصها" است که بررسی و نقد آن در دستور کار مقاله حاضر قرار داشت و تلاش گردیده پیشنهاداتی جهت ارتقاء محتوای کتاب در ویرایشهای آتی ارائه گردد. یافته‌های کتاب حکایت از آن دارد که رشد اقتصادی در ایران در سالهای اخیر از فراگیری پایینی برخوردار بوده است و همزمان که مشارکت نیروی کار نقش موثر و معناداری بر رشد فراگیر در استانهای کشور داشته است. اما سیاست‌گذاران دولت که می‌توانسته نقش موثر و معناداری بر کاهش فقر و نابرابری در استانها داشته باشند، در عمل توفیق چندانی نداشته‌اند. در جمع بندی بنظر می‌رسد حرکت در مسیر رشد فراگیر نیازمند طراحی و اجرای یک بسته سیاستی منسجم، از ابعاد مختلف است.

کلیدواژه‌ها: رشد اقتصادی، رشد فراگیر، رشد فقرزدا، داده‌های استانی، فقر.

* دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، mozayani@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

۱. مقدمه

رشد اقتصادی و مدیریت آن یکی از مهمترین دغدغه‌های جامعه جهانی طی دهه‌های اخیر بوده و می‌باشد. هنگامیکه از رشد اقتصادی (در سطح کلان) صحبت می‌شود منظور افزایش تولید ناخالص ملی یک کشور (یا منطقه جغرافیایی مشخص) طی یک دوره معین است که معمولاً اندازه‌گیری آن از طریق مقایسه مقدار کمی آن در دوره مورد نظر با دوره مشابه پیشین انجام می‌شود. مقوله رشد اقتصادی از آن جهت که ارتباط وثیقی با حوزه‌هایی چون اشتغال و بیکاری، درآمد، رفاه و ... دارد پیوسته در کانون توجه تئوریهای اقتصاد کلان نیز بوده و کماکان نیز این موضوع توجه زیادی را در مباحث نظری و کاربردی اقتصاد کلان به خود معطوف می‌نماید. بررسی و مطالعه مقوله رشد در حوزه اقتصاد کلان عمدتاً با استفاده از الگوها و مدل‌های رشد اقتصادی انجام می‌شود. این الگوها تلاش می‌نمایند در چارچوب مبانی نظری و تجربی خود، تفسیر واقع بینانه‌ای را از تحولات و تغییرات رشد اقتصادی، عوامل موثر بر آن، چشم‌انداز آینده آن، تفاوت میان رشد اقتصادی کشورها و ... ارائه نمایند.

پیشینه مباحث رشد اقتصادی به مباحث مطرح شده در قرن هجدهم و توسط افرادی همچون دیوید هیوم^۱ باز می‌گردد. اما آنچه هم‌اکنون در قالب الگوهای رشد اقتصادی مطرح می‌شود (عمدتاً) پس از جنگ جهانی دوم و در چارچوب رویکرد نئوکلاسیک اقتصاد و توسط افرادی چون رابرت سولو^۲ و سایمون کوزنتس^۳ مطرح گردید. در دیدگاه‌های مطرح شده در این دوره مباحثی چون پیشرفت فناوری، انباشت سرمایه و ... شدیداً مورد تأکید بوده است. اما با پیشرفت ادبیات نظری و تجربی رشد اقتصادی بویژه در قرن بیست و یکم با برونزا در نظر گرفتن بسیاری از عوامل موثر بر رشد دیدگاه‌های جدیدی مطرح گردید و یا اینکه در چارچوب دیدگاه‌های پیشین ویرایش‌های جدیدی از الگوهای رشد (مثلاً با تأکید بر حفظ محیط زیست، بهبود توزیع درآمد، کاهش فقر و ...) مطرح گردید. از جدیدترین ویرایش‌های (الگوهای) رشد اقتصادی می‌توان به الگوی رشد فقرزدا و متعاقب آن الگوی رشد فراگیر اشاره نمود. این دو الگو زمانی مطرح گردیدند که مشاهده شد در بسیاری از کشورها علی‌رغم دستیابی به سطح قابل قبولی از رشد، وضعیت معیشتی فقرا (بصورت متناسب) بهبود نمی‌یابد. بعبارت دیگر فقرا متناسب با دیگر اقشار جامعه از منافع رشد اقتصادی بهره‌مند نمی‌شوند. لذا تلاش گردید الگوهای رشد به گونه‌ای بازبینی گردند که این نقیصه مرتفع گردد. در الگوی رشد فقرزدا هدف افزایش سهم

فقرا از درآمد ملی است. در این الگو تلاش می شود همزمان با دستیابی به رشد اقتصادی بگونه ای عمل شود تا سهم و میزان مشارکت فقرا در رشد افزایش یابد. اما در رشد فراگیر (Inclusive Growth) بعنوان ویرایش کاملتر نسبت به رشد فقرزدا (و با هدف رفع برخی نقاط ضعف رویکرد رشد فقرزدا مبنی بر عدم توجه موثر به مقوله نابرابری) تلاش می گردد (علاوه بر کاهش فقر) بر ایجاد فرصتهای برابر برای مشارکت کنندگان اقتصادی در رشد اقتصادی تاکید شود. به گونهای که تمام بخشهای جامعه از رشد منتفع گردند و در ایجاد رشد مشارکت نمایند (میرجلیلی و صفری، ۱۳۹۸: ۱۰). در این ویرایش از رشد اقتصادی ضمن تاکید بر ایجاد فرصت برابر برای تمامی افراد جامعه جهت مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، بر کاهش نابرابری موجود در جامعه نیز تاکید می شود.

رشد فراگیر بعنوان یکی از جدیدترین رویکردهای موجود در ادبیات رشد اقتصادی، که جدای از محافل علمی و دانشگاهی در نهادها و مراکز سیاستگذاری بین المللی همچون بانک جهانی سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (De Mello and Dutz (2012) و سازمان ملل (برنامه توسعه سازمان ملل) (Ranieri and Ramos (2013) نیز، مورد تاکید می باشد. این بحث طی سالهای اخیر در قالب مقالات و کتب متعدد نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از جمله کتب منتشر شده در این حوزه کتاب "رشد فراگیر در استانهای ایران: سیاستها و شاخصها" (Inclusive Growth in Iran's provinces: Policies and Indicators) است که توسط انتشارات لامبرت (LAP LAMBERT Academic Publication) در سال ۲۰۱۹ به زبان انگلیسی انتشار یافته است. بررسی و نقد این کتاب در دستور کار مقاله حاضر قرار دارد. این مقاله از پنج بخش بدین شرح تشکیل شده است. پس از مقدمه حاضر در بخش دوم به معرفی کتاب از حیث تعداد و محتوای فصول پرداخته می شود. بخش سوم به تحلیل و ارزیابی شکلی کتاب اختصاص یافته است. در بخش چهارم با عنوان تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر به نقاط ضعف و قوت کتاب و پاره ای پیشنهادات و توصیه های تکمیلی برای محتوای کتاب پرداخته شده است. در فصل پنجم نیز بعنوان بخش پایانی نتیجه گیری مطالب آورده شده است.

۲. معرفی کتاب

کتاب "رشد فراگیر در استانهای ایران: سیاستها و شاخصها" در هشتاد و هشت صفحه و در قالب پنج فصل تدوین شده است. فصل اول کتاب با عنوان "مقدمه" در چهار صفحه

تدوین شده است. در این فصل تلاش گردیده با اشاره به عملکرد نامناسب اقتصاد ایران در زمینه رشد اقتصادی و تاثیر نامحسوس آن بر توزیع درآمد، به اجمال، به مقوله رشد اقتصادی و اهمیت آن و نیز مفهومی تحت عنوان رشد فراگیر و ضرورت توجه به آن در اقتصاد ایران پرداخته شود. در ادامه فصل مولفین تلاش نموده اند به معرفی آنچه که قرار است در خلال فصول کتاب به آن پرداخته شود، پردازند. مطالبی چون محدوده زمانی بررسی‌ها در کتاب (۲۰۱۵-۲۰۰۴)، روش‌شناسی محاسبات و برآوردهای کمی و متغیرهای مد نظر در برآوردها و نیز برخی تعاریف اولیه از اصطلاحات رایج در ادبیات رشد فراگیر. در این فصل مولفین تلاش نموده اند دو مورد از اصطلاحات مبنایی که در فصول مختلف به آنها اشاره می‌شود را تعریف نموده و بدین صورت ذهن خواننده را به این اصطلاحات معطوف نمایند. این دو اصطلاح عبارتند از "رشد فقرزدای مطلق" (Absolute Pro-poor Growth) و "رشد فقرزدای نسبی" (Relative Pro-poor Growth) که اولی بصورت دستیابی به رشد اقتصادی همراه با کاهش تعداد فقرا (Poverty Rate Reduction) و دومی بصورت دستیابی به رشد اقتصادی همراه با افزایش سهم فقرا از رشد درآمد ملی تعریف شده است. نکته‌ای که هنگام مطالعه این فصل جلب توجه می‌نماید این است که در خلال مطالب مقدمه مولفین تلاش نموده اند که فرضیه اصلی مطالعه خود را اینگونه به خواننده منتقل نمایند که اساسا رشد اقتصادی در ایران در سالهای اخیر از فراگیری (Inclusiveness) پایینی (کمی) برخوردار بوده است. ضمن اینکه فراگیری رشد موضوعی نیست که بصورت خود به خود (اتوماتیک) در خلال فرایند رشد حاصل شود. بلکه نیازمند برنامه ریزی مستقل و هدفمند می‌باشد.

فصل دوم کتاب با عنوان "مرور ادبیات" در بیست و هفت صفحه به رشته تحریر درآمده است. همانگونه که از عنوان این فصل بر می‌آید در این فصل تلاش نویسندگان معطوف به تبیین ابعاد نظری و تجربی مقوله رشد اقتصادی و تشریح دقیق تر واژگان، تعاریف، مفاهیم و ترمینولوژی موجود در این حوزه بوده است. در این رابطه مطالب با مبنای نظری رشد اقتصادی و نظریاتی چون کوزنتس (۱۹۵۵) و سولو (۱۹۵۶) (که عملا شروع رویکرد نئوکلاسیک در ادبیات رشد می‌باشند) بعنوان نقطه آغازین بحث رشد شروع شده است. در ادامه نویسندگان با پرهیز از دیدگاههای صرفا تئوریک رشد اقتصادی، با اشاره به مطالعات تجربی صورت گرفته و دیدگاههای مطرح شده در این حوزه (حسب مورد)، تحولات دهه های اخیر همچون اجماع واشنگتنی و مخدوش شدن این

دیدگاه به مرور زمان، تجربه رشد در کشورهای آسیای شرقی، اهداف توسعه هزاره سازمان ملل و ... را مورد اشاره قرار داده اند. بدیهی است که در این فصل محوریت مطالب دو مفهوم "رشد فراگیر" و "رشد فقرزدا" و تفاوت‌های میان این دو از ابعاد مختلف می‌باشد. لازم به ذکر است در خلال مطالب حسب مورد از الگوهای مفهومی، نمودارهای کمی و ... نیز استفاده شده است.

در خلال این فصل و با استناد به مبانی نظری و تجربی، مولفین به دنبال انتقال این موضوع به خواننده بوده اند که رشد اقتصادی حتی اگر با کاهش فقر مطلق و نسبی هم همراه باشد، الزاما با کاهش نابرابری و دستیابی به رشد فراگیر همراه نمی‌باشد و یا حداقل در بسیاری از موارد اینگونه نبوده است. لذا هنگامیکه از رشد فراگیر صحبت به میان می‌آید باید مولفه‌هایی چون: خلق فرصتهای کاری برابر برای همه شهروندان، بهره‌برداری از منابع و رفع محدودیتها با هدف دستیابی به رشد اقتصادی پایدار بعنوان یک پدیده بلندمدت، توزیع مناسب منافع حاصل از رشد از ابعاد مختلف، کاهش فقر، مشارکت اجتماعی، ملاحظات جنسیتی، توسعه انسانی و تحولات تومانی اقتصادی - اجتماعی مد نظر می‌باشد. بدین ترتیب به ادعای مولفین در رشد فراگیر جهت‌گیری سیاستها و اقدامات بجای تولید محصول (Outcome) بر خلق فرصت (Opportunity) متمرکز می‌شود. این بدان معناست که هنگامیکه از آمادگی جهت حصول به رشد فراگیر صحبت به میان می‌آید دایره تصمیمات و سیاستگذارها فراتر از مقولات صرفا اقتصادی رفته و حوزه‌های پیرامونی چون سیاستگذاری عمومی، حکمرانی، اصلاحات سیاسی و اجتماعی و ... را نیز دربرمی‌گیرد.

پایان بخش این فصل محاسبه شاخص رشد فراگیر برای ایران و منتخبی از کشورهای خاورمیانه، منطقه منا و صحرای آفریقا است. در این رابطه نکته‌ای که جلب توجه می‌نماید نوسان شدید شاخص رشد فراگیر محاسبه شده برای ایران است. نمودار استخراج شده در این خصوص حکایت از آن دارد که طی دوره مورد بررسی (۹۴-۱۳۸۴) تقریبا در اکثر سالها آنچه در اقتصاد ایران اتفاق افتاده با معیارهای تعریف شده برای رشد فراگیر فاصله معناداری داشته است.

فصل سوم که با عنوان "تحلیل داده (ها)" در نوزده صفحه نگاشته شده عمدتا به محاسبات کمی و برآورد مدلها اختصاص یافته است. در این فصل ابتدا نسبت به محاسبه و رتبه بندی استانهای کشور از نظر شاخص چند بعدی فقر اقدام شده است. ضمن اینکه

متدولوژی محاسبه این شاخص (از منظر زیرشاخصهای بکار رفته در آن) به اجمال در ضمیمه کتاب مورد اشاره قرار گرفته است. پس از آن به مقوله نابرابری در رشد و محاسبه رشد فراگیر پرداخته شده است. نتایج به تفکیک در قالب نمودارهایی برای هر یک از استان‌ها نمایش داده شده‌اند. در این رابطه ذکر دو نکته ضروری است. ابتدا اینکه در ارتباط با این نمودارها تفسیری ارایه نشده است. گویی تحلیل نوسانات موجود در هر یک از نمودارها به عهده خواننده واگذار شده است. این در حالی است که با توجه به انعکاس سه شاخص رشد تولید ناخالص داخلی، رشد فراگیر و رشد نابرابری در هر یک از نمودارهای استانی بنظر می‌رسد. این امکان وجود داشت که از طریق تفسیر نوسانات شاخص‌ها در طول دوره مورد بررسی در هر یک از استانها و نیز مقایسات بین استانی، تحلیلی جامع و کاربردی از وضعیت حاکم بر استانها ارایه شود. نکته دوم اینکه تقریباً به روش شناسی محاسبه شاخص رشد فراگیر هم اشاره ای نشده است و صرفاً به این توضیح که این شاخص بر دو مفهوم رشد درآمد و توزیع درآمد مبتنی است بسنده شده است. بنظر می‌رسد خوانندگان فارسی زبان کتاب جهت آگاهی از روش شناسی محاسبه شاخص رشد فراگیر می‌توانند به آثار دیگر مولفین (میرجلیلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲) مراجعه نمایند.

در ادامه بررسی عوامل تعیین کننده رشد فراگیر و میزان اثرگذاری آنها در دستور کار قرار گرفته است. در این راستا از یک الگوی اقتصادسنجی استفاده شده و اثر متغیرهایی چون تولید ناخالص داخلی واقعی استانی، شاخص نابرابری تایل استانی، نیروی کار فعال استانی، نسبت اعتبارات بانکی به تولید ناخالص داخلی استانی، مخارج اجتماعی واقعی استانی و شاخص قیمت مصرف کننده، بر شاخص محاسبه شده برای رشد فراگیر (درحالت‌های مختلف ایستا و پویا) برآورد شده است. همچون روال متعارف برآوردهای اقتصادسنجی در ادامه نسبت به معرفی شاخصها و منابع آماری آنها، آزمونهای تشخیصی برای شاخصها و نهایتاً برآورد مدل بصورت ایستا و پویا اقدام شده است و متعاقباً تحلیل ضرایب برآورد شده حسب انتظارات موجود انجام شده است. بنظر می‌رسد در این رابطه بعنوان مهمترین نتایج می‌توان به سه نکته زیر اشاره نمود:

الف- ابتدا اینکه مشارکت نیروی کار (چه در حالت ایستا و چه در حالت پویا) نقش موثر و معناداری بر رشد فراگیر در استانهای کشور داشته است.

ب- نکته دیگر اینکه رشد فراگیر مشاهده شده در استانهای کشور بسیار متغیر (زودگذر) و ناپایدار بوده است.

ج- نهایتاً اینکه متغیرهای سیاستگذاری دولت (شامل نسبت اعتبارات بانکی به تولید ناخالص استانها و مخارج اجتماعی) می توانسته نقش موثر و معناداری بر کاهش فقر و نابرابری در استانها داشته باشد. اما در عمل اینگونه نبوده و عملکرد قابل توجهی در این خصوص مشاهده نمی شود. این واقعیت عملاً حکایت از پایین بودن اثربخشی سیاستهای دولت و ضعف حکمرانی در این حوزه دارد.

فصل چهارم با عنوان "رشد اقتصادی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت"^۴ در ده صفحه تدوین شده است. در این فصل تلاش گردیده ابتدا تصویری از وضعیت رشد اقتصادی در ایران با توجه به معیار رایج طبقه بندی کشورها در عرصه بین المللی ارائه گردد. اینکه مطابق طبقه بندی صورت گرفته توسط بانک جهانی چنانچه تولید ناخالص سرانه واقعی کشوری (به قیمتهای ثابت) به مدت ۲۸ سال در سطح درآمد پایین متوسط و به مدت ۱۴ سال در سطح درآمد بالای متوسط متوقف گردد اصطلاحاً گفته می شود که کشور موردنظر در این سطوح درآمدی به دام افتاده است و یا در دام سطوح درآمدی پایین و بالای متوسط گیر کرده است. با توجه به توضیحات ارائه شده در خصوص طبقه بندی کشورها، مهمترین نتیجه گیری این بخش آن است که علی رغم اقدامات و تلاشهای صورت گرفته (در اقتصاد ایران) طی دهه های اخیر، اقتصاد ایران نزدیک به شش دهه است که در طبقه درآمدی پایین متوسط به دام افتاده و از آن خارج نشده است. لذا در ادامه این فصل مولفین مجموعه سیاستها و راهکارهایی جهت خروج از این سطح درآمدی و ارتقا به طبقه درآمدی بالای متوسط را ارائه نموده اند. این سیاستها که به سی و پنج مورد بالغ می شوند طیف وسیعی از حوزه ها و موضوعات اقتصادی و غیر اقتصادی مرتبط با حوزه اقتصاد را در بر می گیرند. اما در ارتباط با نحوه استخراج و دستیابی به این سیاستها هیچ اشاره ای نشده است.

در بخش پایانی این فصل شاخصهایی برای پایش مقوله رشد فراگیر پیشنهاد شده است. این شاخصها که پنجاه و پنج مورد می باشند در پنج محور کلی "رشد اقتصادی، اشتغال بهره ور و زیرساختها"، "فقر درآمدی، فقر چند بعدی و نابرابری"، "توانمندسازی زنان"، "قابلیتهای انسانی" و "تامین اجتماعی" پیشنهاد شده اند. آنچه در ارتباط با شاخصهای پایش مطرح شده متبادر به ذهن می گردد این است که این شاخصها طیف

وسیع‌تری از حوزه‌ها را در بر می‌گیرد. بگونه‌ای که با توجه به ادبیات موضوع در حوزه رشد و توسعه اقتصادی و تفاوت میان این دو اصطلاح، عملاً محدوده مباحث در مقوله رشد فراگیر از حوزه رشد اقتصادی فراتر رفته و وارد مباحث توسعه اقتصادی که متضمن مباحث کمی و کیفی اقتصادی و غیر اقتصادی است، می‌شود. در ادامه مقاله به این موضوع بیشتر پرداخته خواهد شد.

فصل پنجم بعنوان فصل پایانی کتاب تحت عنوان "نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی" در دو صفحه تدوین و در آن مروری بسیار اجمالی بر یافته‌های مطالعه بویژه نتایج حاصل از برآوردهای اقتصادسنجی صورت گرفته است. در این بخش مهمترین تاکید مولفین را می‌توان کارکرد صحیح دولت در زمینه سیاستهای اقتصادی و مخارج اجتماعی در دستیابی به رشد فراگیر دانست.

۳. نقد و تحلیل خاستگاه اثر و علت انتخاب آن

همانگونه که اشاره شد مقوله رشد اقتصادی از سابقه دیرینه‌ای در ادبیات نظری و تجربی اقتصاد برخوردار است. این بحث در دهه‌های اخیر تحولات قابل توجهی را به خود دیده که عمدتاً ریشه در مطالعات تجربی مرتبط با عملکرد کشورها در زمینه رشد اقتصادی دارد. در این رابطه می‌توان به تجربیات جهانی در زمینه اجرای برنامه‌های تعدیل اقتصادی طی دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ و چالشها، سئوالات و ابهامات بوجود آمده ناشی از آنها و متقابلاً تجربه موفق کشورهای موسوم به ببرهای آسیایی (شامل هنگ کنگ، کره جنوبی، سنگاپور و تایوان) طی دوره ۸۰-۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ اشاره نمود. تجربه این کشورها نشان داد که می‌توان رشد اقتصادی سریع، همراه با برابری و یا حداقل، نابرابری اندک داشت (میرجلیلی و صفری، ۱۳۹۸: ۳۵). این یافته باعث تمرکز مراجع علمی و سیاستگذاری در عرصه بین‌المللی بر سه مقوله رشد اقتصادی، کاهش فقر و کاهش نابرابری گردید و در اواخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم منجر به ارایه ویرایش‌های جدیدی از الگوهای رشد شد که می‌توان به دو الگوی رشد فقرزدا و الگوی رشد فراگیر (بعنوان دو رویکرد شاخص در این زمینه) اشاره نمود. همانگونه که پیش از این نیز مطرح شد در الگوی رشد فقرزدا تاکید اصلی بر افزایش سهم و میزان مشارکت فقرا در فرایند رشد اقتصادی بود. حال آنکه در رشد فراگیر همزمان با توجه به هدف کاهش فقر، مقوله کاهش نابرابری و ایجاد فرصتهای برابر برای مشارکت‌کنندگان در فرایند رشد

اقتصادی نیز در کانون توجهات قرار گرفت. کتاب "رشد فراگیر در استانهای ایران: سیاست ها و شاخص‌ها" را می‌توان در زمره آن دسته از متونی دسته‌بندی نمود که بحث فوق (یعنی رشد فراگیر، بعنوان یکی از جدیدترین رویکردهای موجود در ادبیات رشد اقتصادی) را محور کار خود قرار داده و مهمتر آنکه تلاش نموده این مفهوم را در اقتصاد ایران بگونه‌ای بومی‌سازی نماید. توضیح آنکه در ارتباط با مقوله رشد فراگیر بویژه طی دهه اخیر در عرصه بین‌المللی مطالعات متعددی انجام و انتشار یافته است^۶. بگونه‌ای که می‌توان کتاب حاضر را نیز بخشی از این مطالعات قلمداد نمود. ضمن اینکه مولفین کتاب نیز در این زمینه مطالعات مشابه دیگری نیز داشته‌اند که نتایج آنها در عرصه بین‌المللی انتشار یافته‌اند (Mirjalili and Safari, 2019), (Mirjalili, et al, 2017). اما رویکرد مولفین در زمینه تعمیم بحث رشد فراگیر به اقتصاد ایران و طراحی شاخص، کمی‌سازی آن و انجام آزمونهای آماری و اقتصادسنجی در این رابطه در ایران مسبق به سابقه نمی‌باشد. بنابر این می‌توان موضوع کتاب را بعنوان یکی از جدیدترین رویکردهای موجود در ادبیات موضوع و تلاش نویسندگان بر بومی‌سازی موضوع کتاب در ایران و با استفاده از داده‌های آماری و محاسبات کمی را بسیار ارزشمند قلمداد نمود. ضمن اینکه رویه مولفین در زمینه توسعه و ترویج مقوله رشد فراگیر که (احتمالاً) از یک پایان‌نامه دانشگاهی آغاز و با توسعه ابعاد تجربی بحث و ارتباط دادن آن با موضوعات مرتبط در اقتصاد ایران (همچون الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی)، گسترش یافته و به تولید مقالات و کتب متعدد منجر شده است نیز بسیار حایز اهمیت می‌باشد.

بحث فوق مهمترین انگیزه انتخاب کتاب "رشد فراگیر در استانهای ایران: سیاست‌ها و شاخص‌ها" جهت نقد در قالب مقاله حاضر می‌باشد. ضمن اینکه اساساً مفهوم رشد فراگیر و دامنه نسبتاً بسیط آن که مقوله رشد اقتصادی را فراتر از تغییرات محض تولید ملی و حتی مقوله فقر می‌داند (Hay et al, 2020: 8) و با مطرح نمودن موضوعاتی چون ایجاد فرصت‌های برابر برای همه شهروندان محدوده بحث را به حوزه‌هایی چون حکمرانی، اقتصاد سیاسی و ... گسترش می‌دهد، جذابیت پرداختن به این موضوع را دو چندان نموده است.

۴. تحلیل و ارزیابی شکلی کتاب^۷

پیش از هر چیز طراحی مناسب جلد کتاب جلب توجه می‌نماید. بنظر می‌رسد نمودار انتخاب شده برای طراحی جلد و قرار دادن یک انسان در مدیریت روند نمودار بخوبی می‌تواند نتیجه نهایی کتاب مبنی بر نقش سیاستهای اتخاذ شده توسط سیاستگذاران و مدیریت صحیح آنها را در دستیابی به رشد فراگیر (و غیر اتوماتیک بودن فراگیری رشد و ضرورت پایش مستمر آن را) تداعی می‌نماید.

در زمینه اصول نگارشی، متن کتاب از کیفیت چندان قابل دفاعی برخوردار نمی‌باشد. بعنوان مثال نکته ای که در شماره گذاری کتاب بسیار جلب توجه می‌نماید شماره گذاری سرفصل‌های هریک از بخشهای کتاب بصورت متوالی (پشت سر هم) و بدون توجه به فصل‌بندی‌های صورت گرفته توسط مولفین می‌باشد. توضیح اینکه در فصل اول (مقدمه) مطالب کتاب با شماره ۱-۱ آغاز و تا انتهای کتاب (و صرفنظر از فصل بندی صورت گرفته) تا شماره ۱-۲۶ ادامه می‌یابد. نکته دیگر اینکه علی‌رغم اینکه کتاب به زبان انگلیسی نگاشته شده است در نمودار شماره ۳ در محور افقی دوره زمانی نمودار بر حسب سال شمسی آورده شده است. جدای از این موضوع شایسته بود شماره گذاری نمودارها و جداول نیز با توجه به شماره هریک از فصول صورت می‌گرفت که اینگونه نمی‌باشد. ضمن اینکه در این کتاب بخش خاصی به پیشگفتار (مولف یا ناشر) اختصاص داده نشده و متن کتاب پس از اطلاعات شناسنامه ای مربوط به کتاب، با فهرست مطالب آغاز شده است.

در ارتباط با ناشر کتاب نیز می‌توان اینگونه مطرح نمود که انتشارات لامبرت یک ناشر اروپایی است و همزمان به عنوان عضو برخی تشکل‌ها و انجمنهای انتشاراتی در اروپا و آمریکا و نیز در تعامل مستقیم با برخی دانشگاهها و موسسات و نهادهای علمی و تحقیقاتی بین‌المللی فعالیت می‌نماید. این انتشارات ماموریت اصلی خود را تمرکز بر انتشار پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی تعریف نموده است. با این استدلال که از رها شدن بسیاری از تحقیقات در قفسه کتابخانه‌ها جلوگیری نموده و آنها را در اختیار علاقمندان و کاربران در مراکز صنعتی، تصمیم‌گیری و ... قرار دهد. ضمن اینکه در بسیاری از موارد متون منتشر شده توسط این ناشر به زبانهای مختلفی ترجمه و منتشر می‌گردد. کتاب حاضر نیز پس از انتشار به زبان انگلیسی به هفت زبان دیگر (فرانسوی، آلمانی، اسپانیولی، هلندی، لهستانی، ایتالیایی و پرتغالی) منتشر شده است.

از منظر ویژگیهای فنی (شامل اندازه قلم، صفحه آرائی، تراکم خطوط و ...) می‌توان وضعیت کتاب را متوسط (قابل قبول) ارزیابی نمود. در این رابطه بعنوان نقطه ضعف کتاب می‌توان به کیفیت نسبتاً نامناسب برخی از نمودارها اشاره نمود. بعضاً تراکم، تداخل و کیفیت نامناسب نمودارها (بعنوان نمونه نمودار شماره ۵) بگونه‌ای است که چندان برای خواننده قابل استفاده نمی‌باشد. لذا با توجه به اشتراک موضوعی این بخش با برخی دیگر از آثار مولفین پیشنهاد می‌شود خوانندگان به دیگر آثار مولفین (میرجلیلی و صفری، ۱۳۹۸) مراجعه نمایند. ضمن اینکه جداول نسبتاً حجیم مربوط به نتایج محاسبات کمی (برآوردهای اقتصادسنجی) که در ضمیمه کتاب (صفحات ۸۸-۶۹) آورده شده اند نیز از کیفیت چاپ مناسبی برخوردار نمی‌باشند.

۵. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

از آنجا که کتاب حاضر با هدف و رویکردی خاص و بصورت موضوعی (بررسی مقوله رشد فراگیر در سطح استانهای ایران) تدوین شده است. لذا استناد به معیارهایی چون جامعیت، تناسب با اهداف درسی و سرفصلهای مصوب رشته خاص دانشگاهی و ... که معمولاً در ارزیابی آثار علمی به آنها پرداخته می‌شود چندان موضوعیت نمی‌یابد. اما از نظر منابع مورد استفاده در تهیه متن، کتاب حاضر در وضعیت مطلوبی قرار دارد. چرا که با توجه به جدید بودن موضوع مطالعه (رشد فراگیر) تقریباً مهمترین منابع قابل دسترسی در ارتباط با رشد فراگیر طی دهه اخیر، بویژه سالهای منتهی به زمان انتشار کتاب (۲۰۱۹) در فهرست منابع مشاهده می‌شود و بدین ترتیب فهرست منابع کتاب می‌تواند از منظر کتاب‌شناسی رشد فراگیر مورد استفاده علاقمندان به این حوزه قرار گیرد.

از نظر موضوع و محتوای کتاب، همانگونه که از عنوان کتاب بر می‌آید محوریت آن رشد فراگیر است. این رویکرد از رشد بعنوان ویرایش کامل تر از ویرایشهای پیشین و بویژه رویکرد رشد فقرزدا مطرح گردیده است. اجمالاً اینکه در رشد فقرزدا تلاش گردیده بود با مد نظر قرار دادن مقوله فقر (نسبی و مطلق) بسیاری از انتقادات وارده به مدل‌های رشد پیشین مرتفع گردد. این در حالی بود که این رویکرد از رشد نیز خود با پاره‌ای انتقادات (همچون عدم توجه به مقوله نابرابری (علی رغم کاهش فقر و رشد اقتصادی)) مواجه بود. بنظر می‌رسد رشد فراگیر رویکردی از رشد اقتصادی است که تلاش شده تقیصه‌های الگوهای پیشین رشد در آن مرتفع گردد و از این حیث جدای از محافل علمی، توسط

نهادهای سیاست‌گذاری بین‌المللی نیز مورد اقبال قرار گرفته است. بعنوان نمونه بانک توسعه آسیایی در تدوین استراتژی بلند مدت خود برای دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۸ رویکرد رشد فراگیر را مورد توجه خاص قرار داده است (میر جلیلی و صفری، ۱۳۹۸: ۴۲). نکته دیگری که در این رابطه جلب توجه می‌نماید و می‌تواند یکی از ویژگیهای متمایز کننده رویکرد رشد فراگیر به حساب آید تاکید این رویکرد بر ضرورت توجه به خلق فرصتهای برابر برای همه افراد جامعه در خلال فرایند رشد است. این موضوع باعث گردیده که کشورها بسته به شرایط و پتانسیلهای خود در راستای خلق فرصتهای برابر برای آحاد جامعه گام بردارند و عملاً تجویز یک نسخه واحد برای همه کشورها در دستیابی به رشد اقتصادی امکان‌پذیر نباشد. این موضوع با مروری بر مطالعات تجربی صورت گرفته در خصوص عوامل موثر بر رشد فراگیر در کشورها نیز قابل برداشت می‌باشد. مثلاً همزمان که تقریباً در اکثر مطالعات بر نقش تقویت زیرساختهای اقتصادی در رشد فراگیر بعنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تاکید شده است، (Alekhina and Ganelli, 2020) در مطالعه خود در کشورهای عضو ASEAN دیجیتال شدن اقتصاد، بازتوزیع بهینه منابع مالی و انجام اصلاحات در بازار کار را نیز در این خصوص موثر دانسته‌اند. (Ianchovichina and Lundstrom, 2009) نیز در مطالعه خود برای کشور زامبیا بصورت خاص کاهش هزینه‌های غیر مستقیم (در حوزه‌هایی چون انرژی، حمل و نقل، ارتباطات، بیمه، بازاریابی و ...) را در فرایند رشد مورد تاکید خاص قرار داده‌اند. همچنین می‌توان به مطالعه (Anand et al, 2013) که به صورت بین‌کشوری انجام شده اشاره نمود. در این مطالعه (که کشورها برحسب میزان درآمد سرانه در گروههای متخلف طبقه بندی شده‌اند)، اثر معنی‌دار متغیرهایی چون سرمایه انسانی، ثبات اقتصاد کلان و جهانی شدن بر رشد فراگیر تایید گردید. اما این اثر در متغیرهایی چون تعمیق مالی و تحولات فناوری مشاهده نگردید. این موضوع (تنوع عوامل اثرگذار بر رشد در کشورهای مختلف) می‌تواند یکی از وجوه تمایز رویکرد رشد فراگیر نسبت به رویکردهای پیشین باشد که به درستی در کتاب حاضر به آن توجه شده است. بگونه‌ای که می‌توان نتایج تجربی آن را در مدل برآورد شده برای اقتصاد ایران با استفاده از داده‌های استانی در فصل سوم مشاهده نمود.

در ادامه تلاش می‌گردد با بیان نقاط قوت و ضعف متن، تصویری از وضعیت محتوایی کتاب در اختیار خوانندگان قرار گیرد. می‌توان مهمترین نقاط ضعف و قوت متن حاضر و نیز پیشنهادات قابل طرح جهت تکمیل متن در ویرایشهای آتی را به شرح زیر مطرح نمود.

۱,۵ نقاط ضعف

۱,۱,۵

اولین موردی که در این خصوص متبادر به ذهن می‌گردد عدم همگنی میان فصول کتاب از نظر حجم و محتوای ارایه شده می‌باشد. یعنی همزمان که (جدای از صفحه عنوان فصول) محتوای برخی فصول ۲۶ و ۱۸ صفحه را شامل می‌شوند. فصل پنجم که نتیجه‌گیری کتاب می‌باشد و از حیث انتقال نتیجه نهایی و ماحصل یافته‌های مطالعه به خواننده می‌تواند بسیار مهم باشد تنها از یک صفحه محتوا تشکیل شده است. بگونه‌ای که قادر نیست تصویر روشنی از کلیت کتاب و یافته‌های آن ارایه نماید. بنظر می‌رسد این نقیصه بهره‌مندی خوانندگان کتاب از آنچه در ذهن مولفین بوده است را شدیداً کاهش می‌دهد.

۲,۱,۵

موضوع دیگری که در ارتباط با نگارش علمی کتاب به چشم می‌خورد نبود نتیجه‌گیری و جمع‌بندی (تفصیلی) در انتهای اکثر فصول می‌باشد. بگونه‌ای که خواننده پس از مطالعه حجم قابل توجهی مطالب به ناگاه رها می‌شود و هیچ جمع‌بندی برای شکل‌دهی یافته‌های خوانندگان از متن کتاب و ادعاها و یافته‌های مولفین ارایه نمی‌شود. گویی جمع‌بندی برعهده خوانندگان نهاده شده است.

۳,۱,۵

(در ادامه نکته مطرح شده در بخش قبل) بنظر می‌رسد ارایه برخی توضیحات و یا جمع‌بندی مطالب در بخشهایی از کتاب ضروری است. مثلاً شایسته بود در فصل دوم پس از بیان مبانی تجربی، نوعی جمع‌بندی از مطالعات بررسی شده از ادبیات موضوع صورت می‌گرفت و جایگاه مطالعه حاضر در ادبیات موضوع از منظر مولفین توضیح داده می‌شد. مثال دیگر در این رابطه مدل مطرح شده در فصل سوم است که مبنای برآوردها قرار گرفته است. در ارتباط با این مدل ضروری بود توضیحات لازم در خصوص مبانی نظری و تجربی مدل ارایه می‌شد تا خوانندگان نسبت به مبانی طراحی مدل و نحوه استخراج متغیرهای اثرگذار آگاه شوند.

در ادامه این بحث دو نکته جلب توجه می‌نماید. ابتدا عدم ارایه توضیحات کافی در خصوص برخی نمودارهای ارایه شده می‌باشد که اوج این نقیصه را می‌توان در خصوص نمودار شماره ۲ مشاهده نمود. نکته دیگر اینکه در برخی موارد نمودارها بدلالی چون کیفیت پایین گرافیکی یا تراکم بسیار زیاد عملاً چندان برای خواننده قابل تحلیل و بهره‌برداری علمی نمی‌باشند. بعبارت دیگر میزان و نحوه نوسانات مقادیر متغیرها در برخی نمودارها قابل تشخیص و بهره‌برداری نیستند که در این خصوص می‌توان به نمودارهای ۴ و ۵ اشاره نمود.

۴,۱,۵

در فصل چهارم که بصورت خاص به رشد اقتصادی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته شده است چند ابهام وجود دارد. ابتدا در خصوص مبانی نظری رشد اقتصادی و نیز ادبیات موضوع در ارتباط با ایران، به ابعاد اسلامی موضوع کمتر پرداخته شده است. بگونه‌ای که تقریباً اثری از ملاحظات اسلامی دیده نمی‌شود. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که در این رابطه (ابعاد اسلامی رشد اقتصادی) در ادبیات موضوع نیز مبانی نظری به مراتب کمتری وجود دارد. اما با توجه به عنوان انتخاب شده برای این فصل، کمبود محتوا در زمینه ابعاد اسلامی رشد اقتصادی شدیداً احساس می‌شود. نکته دیگر نحوه استخراج "سیاستها و راهکارهای پیشنهادی جهت خروج از سطح درآمدی پایین متوسط و ارتقا به طبقه درآمدی بالای متوسط" و نیز "شاخصهای پیشنهادی برای پایش مقوله رشد فراگیر" است که بدون ذکر منبع و هیچ‌گونه توضیحی نسبت به نحوه و روش شناسی استخراج آنها ارایه شده‌اند.

نهایتاً اینکه آنچه در قالب سیاستهای پیشنهادی مطرح شده‌اند چندان از محتوای مطالعه موجود (و به تعبیری از مطالب موجود در بخشهای قبلی کتاب) قابل استخراج بنظر نمی‌رسند. به بیان دیگر ارتباط میان این پیشنهادات با تحلیلهای صورت گرفته در فصول قبلی بخوبی تبیین نشده است. بدیهی است برقراری این ارتباط می‌تواند جنبه کاربردی سیاستهای پیشنهادی را افزایش دهد. جدای از بحث فوق ماهیت کلی (غیر مصداقی) برخی توصیه‌های سیاستی (همچون "اجرای سیاستهای کاهش فقر"، "بهبود فضای کسب‌وکار"، "افزایش ثبات اقتصاد کلان" و ...)، قابلیت اجرایی آنها را کاهش داده است.

این نقیصه می تواند با استناد به برخی اعداد و ارقام عملکردی (Stylized Facts) و یا برخی هدف گذاری های کمی بهبود یابد.

۵,۱,۵

با توجه به معرفی صورت گرفته از متغیرهای مدل مبنای برآورد، گویا جهت واقعی نمودن (تورم زدایی) مقادیر شاخصهای استفاده شده در مدل از شاخص کلی قیمت کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری (CPI) استفاده شده است (صفحه ۳۸ متن). حال آنکه شایسته بود بدین منظور از مقادیر استانی این شاخص (بصورت خاص برای هر استان) استفاده می شد. بدین ترتیب تورم زدایی صورت گرفته از شاخصهای هر استان با توجه به تورم تبلور یافته در همان استان صورت می گرفت. ضمن اینکه شایسته بود در برآورد مدلها بجای (یا در کنار) مقدار مطلق متغیر مخارج واقعی اجتماعی دولت در هر استان از مقادیر سرانه این شاخص در هر استان (نیز) استفاده می شد.

۲,۵ نقاط قوت

۱,۲,۵

یکی از نکاتی را که می توان بعنوان نقطه قوت کتاب تدوین شده مطرح نمود پرداختن به یکی از جدیدترین و کاربردی ترین رویکردهای موجود در زمینه رشد اقتصادی، تحت عنوان رشد فراگیر و تمایز آن با سایر مفاهیم موجود، در چارچوب گفتمان موجود در عرصه بین الملل برای اقتصاد ایران است. بعبارت دیگر تولید و عرضه یک متن علمی در زمینه رشد فراگیر با تاکید بر داده های موجود در اقتصاد ایران به زبان بین المللی با توجه به تاکید نهادهای علمی و سیاستگذاری بین المللی بر این موضوع و تولید محتوا و پیشنهاد سیاستهای اجرایی توسط این نهادها، می تواند اقدامی ارزشمند به حساب آید.

۲,۲,۵

در ادامه بحث فوق کمی سازی مفهوم رشد فراگیر در اقتصاد ایران و آن هم در سطح داده های استانی را می توان دیگر نقطه قوت متن حاضر به حساب آورد که مسبق به

سابقه نبوده و برای اولین بار در قالب مطالعات مولفین انجام شده و به عنوان یک متن بین‌المللی انتشار یافته است.

۳,۲,۵

در ادامه مطالب فوق بررسی عوامل موثر بر رشد فراگیر در قالب روشهای اقتصادسنجی را می‌توان دیگر نقطه قوت متن حاضر و نقطه آغازی برای توسعه این مطالعات در فضای دانشگاهی کشور دانست. ضمن اینکه بنظر می‌رسد نتایج حاصل از برآورد مدلها با واقعیت‌های حاکم بر اقتصاد ایران نیز هماهنگ می‌باشد و می‌تواند توسط نهادهای سیاست‌گذار در کشور مورد استفاده و استناد قرار گیرد. ضمن اینکه انجام این مطالعه بصورت استانی می‌تواند در ارزیابی و آگاهی از استحکام (Robustness) نتایج سایر مطالعات انجام شده در این حوزه در کشور نیز بکار آید.

۳,۵ پیشنهادات و نکات تکمیلی

۱,۳,۵

از آنجا که در ادبیات رشد فراگیر به مقوله فرصت (Opportunity) بسیار تاکید می‌شود. شایسته است در راستای تکمیل مطالب و تبیین ارتباط مبانی نظری رشد فراگیر با سایر مطالب مطرح شده در ادبیات موضوع به دیدگاههای مشابه همچون دیدگاه آمارتیاسن و تاکید وی بر مقوله قابلیت و توانمندی نیز اشاره شود. بنظر می‌رسد یکی از نزدیکترین دیدگاهها به نظریه رشد فراگیر دیدگاه آمارتیاسن می‌باشد. وی در آثار خود در ارتباط با فرایند توسعه و عوامل موثر بر آن بر مولفه‌هایی چون: عوامل بومی و داخلی اقتصادها، عدم تعارض سنتها با توسعه، درونزایی توسعه، نقش سیاستگزاری و حمایتی دولتها، تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی، احترام به آزادی و امکان بهره‌گیری از قابلیت‌های انسان‌ها، حمایت از آزادی‌های سیاسی و مدنی، تاکید بر آموزش عمومی و بهداشت، آزادی مبادله و ... تاکید می‌نماید. بطور خلاصه از دیدگاه سن توسعه، عصاره و برآیند امکان‌های آزادی است بگونه‌ای که مزیت‌های افراد در قالب توانمندی‌های ایشان تبلور می‌یابد (سن، ۱۳۸۷: ۱۳۹) و این باعث می‌گردد که توسعه ماهیتی بسیار پیچیده با ابعاد گوناگون به خود بگیرد (سن، ۱۳۸۶: ۱۷۸). وسعت دامنه عوامل اثرگذار بر توسعه از منظر

سن و تشابه آنها با عوامل متعدد شناسایی شده موثر بر رشد فراگیر در قالب مطالعات تجربی صورت گرفته (از آزادی انتخاب، کیفیت سرمایه انسانی، نابرابری جنسیتی و اصلاحات ساختاری گرفته تا مقولاتی چون ثبات اقتصادی، جهانی شدن، جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی، آزادی تجاری و ... (Anand et al, 2013), Elson and Seth, 2019 و (Heshmati et al, 2019)) حکایت از همگرایی میان این دو دیدگاه دارد. بنظر می‌رسد تحلیل همزمان دیدگاه‌های سن با مبانی نظری رشد فراگیر می‌تواند توصیه‌های سیاستی کاربردی تری را در اختیار قرار دهد.

۲,۳,۵

از آنجا که با توجه به یافته‌های تحقیق بویژه تحلیل‌های کمی صورت گرفته، جایگاه ویژه‌ای برای سیاست‌های اعمال شده توسط حاکمیت و نحوه اجرای آنها در نظر گرفته شده است. بنظر می‌رسد تحلیل نتایج در قالب آموزه‌های اقتصاد سیاسی نیز می‌تواند در تقویت متن موثر باشد.

۳,۳,۵

موضوع دیگر با توجه به رویکرد استانی اتخاذ شده توسط مولفین، بررسی و تحلیل وضعیت نسبی استانها با استناد به آمار و ارقام عملکردی کشور (Stylized Facts) و نیز نتایج مطالعات تجربی صورت گرفته در سایر کشورها است (Ianchovichina and Lundstrom, 2009) که می‌تواند در تقویت متن موثر باشد.

۴,۳,۵

در فصل چهارم که سیاست‌های رشد فراگیر مطرح شده اند. صرفنظر از ایراد مطرح شده نسبت به نحوه استخراج آنها، چنانچه این سیاستها در قالب یک طبقه بندی مشخص (مثلا به تفکیک کوتاه مدت و بلند مدت و یا به تفکیک ملی و استانی و ...) ارائه شوند جنبه کاربردی آن ملموس تر می‌شود. ضمن اینکه تبیین بیشتر این سیاستها از حیث معرفی راهکارهای مشخص عملیاتی نمودن آنها (Action Plans)، معرفی نقش بخش خصوصی و دولتی در عملیاتی نمودن آنها و مواردی از این دست (در قالب یک نقشه راه (Road Map)) می‌تواند جنبه کاربردی سیاست‌های پیشنهادی را دو چندان نماید.

۵,۳,۵

با توجه با وجود پاره ای از اسناد بالا دستی در کشور در زمینه رشد اقتصادی همچون سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و نیز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (که در متن کتاب نیز مورد اشاره قرار گرفته است) شایسته است در ویرایش‌های آتی کتاب در تحلیل‌ها و ارائه توصیه‌های سیاستی به این اسناد نیز توجه شود.

۶. نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر تلاش گردید کتاب "رشد فراگیر در استان‌های ایران: سیاست‌ها و شاخص‌ها" مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. بدین منظور ضمن معرفی کلی کتاب و محتوای آن به نقاط قوت و ضعف متن اشاره و تلاش گردید پیشنهاداتی جهت ارتقاء محتوای کتاب در ویرایش‌های آتی ارائه گردد. فی المجموع می‌توان تلاش مولفین محترم را در تدوین محتوای کتاب موفقیت آمیز ارزیابی نمود. صرفنظر از قضاوت‌ها و توصیه‌های موردی مطرح شده در ارتباط با محتوای کتاب (که در بخش‌های پیشین به آنها پرداخته شد)، بنظر می‌رسد می‌توان رویکرد رشد فراگیر را در مقایسه با دیگر ویرایش‌های ارائه شده از رشد اقتصادی (مثلا رشد فقرزدا) یک رویکرد همه جانبه و بسیط دانست که فراتر از موضوعات اقتصادی، رشد اقتصادی را یک موضوع بین رشته‌ای و فراتر از مباحث صرفا اقتصادی می‌داند. بگونه‌ای حرکت در این مسیر نیازمند اصلاحات فراگیر می‌باشد. ضمن اینکه بحث رشد فراگیر در سطوح خردتر و بصورت موردی نیز قابل طرح می‌باشد.

بنابر این هنگامیکه از رشد فراگیر در کشور و بویژه در سطوح استانی سخن به میان می‌آید. لازم است موضوع را بصورت یک بسته سیاستی منسجم و از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... در دستور کار قرار داد. بدیهی است در این راستا توجه به ویژگی‌ها و مزیت‌های بومی و ذاتی هر یک از استانها با هدف یافتن پتانسیلهای اختصاصی هر یک از آنها جهت دستیابی به رشد فراگیر، ضروری است. در این چارچوب لازم است ابعاد رشد اقتصادی را فراتر از مباحث اقتصاد کلان، بلکه در حوزه‌هایی چون اقتصاد نهادی و اقتصاد رفتاری نیز دنبال نمود. در این شرایط در صورت سیاستگذاری صحیح، ویژگی‌های (تفاوت‌های) فرهنگی، قومی، مذهبی، اعتقادی و ... موجود در استانهای کشور (در کنار ویژگیهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی و ... هر یک از استانها^۱) از منظر رشد فراگیر می‌توانند بعنوان یک محرک یا توانمندساز (Enabler) در فرایند رشد بکار آیند.

در پایان با توجه به وسعت دامنه مباحث مربوط به رشد اقتصادی و دیدگاههای متنوع مطرح شده در این رابطه در ادبیات موضوع بنظر می رسد کتابهایی از این دست می بایست بعنوان بخشی از ادبیات موضوع مد نظر قرار گیرند تا خواننده مقوله مد نظر (رشد اقتصادی) را بعنوان یک موضوع بسیط با ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار دهد. این بحث در مورد کتاب حاضر نیز مصداق می یابد. لذا بنظر می رسد متن حاضر حتما می بایست در کنار سایر تولیدات علمی مولفین در زمینه رشد اقتصادی^۱ بعنوان یک مجموعه مورد استفاده و استناد قرار گیرد.

پی نوشتها

1. avid Hume (1711-1776)
2. Robert Solow (1924-)
3. Simon Kuznets (1901-1985)
4. لازم بذکر است در این فصل مولفین از کلمه Progress (و نه Development) به عنوان معادل عبارت پیشرفت استفاده نموده اند.
5. بدیهی است در حوزه مبانی نظری رشد اقتصادی نیز در سالهای اخیر شاهد توسعه ادبیات موضوع هستیم. (Barro and Sala-i-Martin, 2003) و (یاوری، ۱۳۹۶).
6. در این رابطه می توان به مطالعات زیر اشاره نمود:
(Alekhina and Ganelli, 2020), (Anand, et al, 2013), (De Mello and Dutz, 2012), (Neil, 2019), (Ranieri and Ramos, 2013)
7. لازم بذکر است در نوشتار حاضر، ارزیابی صورت گرفته از کتاب بر اساس نسخه دیجیتالی آن صورت گرفته است.
8. www.ihcs.ac.ir/fa/news/19652.
9. بعنوان مثال استانهای مرزی کشور ذاتا از نوعی مزیت نسبی جغرافیایی در زمینه بازرگانی و تجارت برخوردار می باشند که می تواند در مطالعات و سیاستگذاریها در حوزه رشد اقتصادی مورد استناد قرار گیرد.
10. در این رابطه می توان به آثاری چون میرجلیلی و صفری (۱۳۹۸)، (Mirjalili and Saadat, 2020) و (Mirjalili, et al. (2017), Mirjalili and Safari, (2019) اشاره نمود.

کتاب‌نامه

سن، آمارتیا، (۱۳۸۷)، "توانمندی و رفاه"، ترجمه: حمید رضا فرشیدورد، راهبرد یاس شماره ۱۳. سن، آمارتیا، (۱۳۸۶)، "مفهوم توسعه"، ترجمه: شاکه سرکسیان و علی گودرزی، راهبرد یاس شماره ۱۲. میرجلیلی سیدحسین، محسنی چراغلو امین، صفری امید، (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر کشورهای منتخب سازمان همکاری اسلامی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۳۲، ص ۶۰ - ۴۷.

میرجلیلی، سید حسین و صفری، امید، (۱۳۹۸)، *رشد اقتصادی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت* (سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)، نشر الگوی پیشرفت: وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

یاوری، کاظم، (۱۳۹۶)، *مدل‌های پیشرفته رشد اقتصادی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)*.

Alekhina, Victoriia and Ganelli, Giovanni, (2020), "Determinants of Inclusive Growth in ASEAN", IMF Working Paper, WP/20/118, PP. 1-39.

Anand, Rahul and Mishra, Saurabh and Peiris, Shanaka J., (2013), "Inclusive Growth: Measurement and Determinants", IMF Working Paper, WP/13/35.

Barro, Robert J. and Sala-i-Martin, Xavier, (2003). *Economic Growth*, The MIT Press: edition 2.

De Mello, L. and Dutz, Mark, A (eds.) (2012), *Promoting Inclusive Growth: Challenges and Policies*, OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/9789264168305-en>

Elson, Diane and Seth, Anuradha, (2019), "Gender Equality and Inclusive Growth: Economic Policies to Achieve Sustainable Development", Eds. UN Women, PP. 1- 145.

Hay, Colin and Hunt, Tom and McGregor, J. Allister, (2020), "Inclusive growth: the challenges of multidimensionality and multilateralism", *Cambridge Review of International Affairs*, PP. 1-27. k to this article: <https://doi.org/10.1080/09557571.2020.1784849>

Heshmati, Almas and Kim, Jungsuk and Wood, Jacob, (2019), "A Survey of Inclusive Growth Policy", *Economies*, 7(65), PP. 1-18. www.mdpi.com/journal/economies.

Ianchovichina, Elena and Lundstrom, Susanna, (2009), "Inclusive Growth Analytics Framework and Application", *Policy Research Working Paper, WPS4851*, PP. 1-40.

Mirjalili, Seyed Hossein and Mohseni Charaghlo, Amin and Safari, Omid, (2017), "Inclusive Growth in Iran's Provinces (2004 -2015)", *International Journal of Business and Development Studies*, Vol. 9, No. 2, PP. 5-27.

Mirjalili, Seyed Hossein and Safari, Omid, (2019), *Inclusive Growth in Iran's provinces: Policies and Indicators*, LAP LAMBERT Academic Publication.

Mirjalili, Seyed Hossein and Saadat, Hossein, (2020), "How to Escape the Middle Income Trap in Iran? Lessons from Malaysia, Thailand South Korea and China", *International Economic Studies*, Vol. 50, No. 1, PP. 1-12.

بررسی و نقد کتاب *"Inclusive Growth in Iran's ..."* (امیر حسین مزینی) ۲۸۳

Ranieri, Rafael and Ramos, Raquel Almeida, (2013), *Inclusive Growth: Building Up a Concept*", Working Paper, No. 104, International Policy Centre for Inclusive Growth (IPC - IG): United Nations Development Programme.

<http://www.ihcs.ac.ir/fa/news/19652>